

نقش سادات شیعی امامی در گسترش علوم دینی در دوران سلجوقیان (۵۹۰ - ۴۲۹ ق)^{*}

سید حسن حسینی^۱

چکیده

عصر سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰ ق) بستری پویا و تأثیرگذار برای تعامل میان نهادهای دینی، شبکه‌های علمی محلی و ساختار حاکمیتی بود که در نهایت به شکوفایی علوم دینی انجامید. در این میان، حضور گسترده و نفوذ علمی سادات شیعه امامی (اثنی عشری) در سراسر قلمرو سلجوقی، به‌ویژه در کانون‌های تمدنی ایران مرکزی، جایگاه آنان را در این فرایند به موضوعی کلیدی و شایان توجه بدل ساخته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و نیز واکاوی داده‌های تاریخی، به بررسی دقیق نقش و جایگاه سادات امامی در گسترش و نهادینه‌سازی علوم دینی در این دوره می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که سادات فراتر از فعالیت‌های علمی صرف، با مدیریت هدفمند نهادهای آموزشی نظیر مدارس و کتابخانه‌ها و همچنین حمایت از تدوین و ترویج آثار شیعی، زیرساخت‌های لازم برای گسترش تعالیم امامیه را فراهم آوردند. محدثان سادات با برگزاری مستمر مجالس املای حدیث، اعطای اجازه‌نامه‌های روایی، سفرهای علمی گسترده و نگارش کتب حدیثی، به پویایی علوم نقلی کمک شایانی کردند. افزون بر این، فقهای سادات با تألیف متون فقهی و صدور فتاوای علمی، نقشی بنیادین در ارتقای سطح فقه امامی ایفا نمودند. در ساحت‌های دیگر نیز این نخبگان با حضور فعال در مباحثات کلامی پیرامون مسائل بنیادین عقیدتی و نیز تخصصی‌سازی علوم قرآنی (تفسیر و قرائت)، به تثبیت و تحکیم هویت مذهبی تشیع اثنی عشری در عصر سلجوقی یاری رساندند.

کلید واژگان: سادات، تشیع امامی، سلجوقیان، علوم دینی، حدیث، فقه.

^{*} تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶ / مقاله پژوهشی

^۱ . استادیار گروه تاریخ و سیره اهل بیت (ع) و انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران / hoseyny.darrud@gmail.com

مقدمه

همزمان با گسترش اسلام در سرزمین ایران، یکی از گروه‌های جمعیتی که به این سرزمین مهاجرت نمودند، سادات بودند. هرچند در دوره حکومت سلجوقیان، نسل حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در میان مردم با عنوان «سادات» شناخته می‌شدند و این برداشت در برخی منابع همان دوره نیز بازتاب یافته است (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۸۱؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۶ق، ۴۱/۲؛ بیهقی، ۱۳۱۷، ۶۳)، اما در معنای گسترده‌تری که بسیاری از کتاب‌های انساب سادات بر پایه آن نوشته شده‌اند، نسل ابوطالب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله یا «آل ابوطالب» به مثابه سادات تلقی می‌شوند. در همین چارچوب، در برخی از کتب انساب و تراجم قرن ششم هجری، عنوان «سید» در ابتدای نام افرادی از آل ابوطالب، جز نسل علی علیه السلام نیز ثبت گردیده است (بیهقی، ۱۳۸۵، ۷۶۷؛ رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۱۸۵؛ متعجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۶). بر این اساس، در این پژوهش، منظور از «سادات»، نسل ابوطالب است.

سادات دربردارندهٔ خاندان‌های گوناگونی از جمله حسنی، حسینی، موسوی، رضوی، طالبی (جعفری)، علوی و دیگر شاخه‌ها بودند. ورود سادات به ایران از ابتدای قرن دوم هجری آغاز شد. با وجود این، نخستین مرحلهٔ حضور ایشان با وقایع و برهم‌کنش‌های پرتنش همراه بود؛ دوره‌ای که در آن، قیام‌ها، تعقیب و گریزها و حتی شهادت‌ها رخ می‌نمود و تا نیمهٔ قرن سوم، امکان استقرار پایدار در ایران فراهم نیامد. از این تاریخ به بعد، گروه‌هایی از آنان به نواحی مختلف ایران مهاجرت کردند و در شهرها و آبادی‌های گوناگون سکونت گزیدند. به تدریج نیز خاندان‌های سادات از نسل ایشان شکل گرفت.

مسئلهٔ مهاجرت و استقرار سادات در ایران، یکی از موضوعات با اهمیت در تاریخ اجتماعی و مذهبی این سرزمین است. بیشتر این سادات که به آیین تشیع امامی پای‌بند

بودند، به عنوان مروجان این مذهب، نقش قابل توجهی در ساختار فرهنگی ایران ایفا کردند. پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این پرسش تدوین شده که سادات امامی (اثنی عشری) در مقطع زمانی حاکمیت سلجوقیان چه نقشی در گسترش علوم دینی در ایران داشتند.

این پژوهش، با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای، به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، نقش سادات امامی در گسترش علوم دینی در دوره سلجوقی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

پیشینه پژوهش

با این که پژوهش مستقلی در موضوع نقش سادات امامی مذهب در گسترش علوم دینی در دوره سلجوقی نوشته نشده است، اما ولوی و دشتی (۱۳۹۰) در مقاله «نقش علویان در گسترش تشیع در نیشابور»، از برخی شخصیت‌های برجسته شیعه در میان سادات نیشابور سخن به میان آورده و نقش پررنگ علویان در گسترش تشیع را در این سرزمین مورد بررسی قرار داده‌اند. خسرویگی و خسروانی (۱۳۹۴) در مقاله «دلایل مهاجرت نقبای حسینی نیشابور (بنوزباره) به بیهق و نقش آنان در تعمیق تشیع امامی»، به گرایش‌های شیعی این خاندان پرداخته و بر نقش خاندان زباره در ترویج تشیع در منطقه بیهق تأکید دارند.

حسینی (۱۳۹۸، ۱۴۰۲) در «اطلس تاریخی سادات ایران (سادات قم و آوه و قزوین)» اشاراتی به نقش سادات امامی در گسترش علوم در این سرزمین‌ها کرده است.

همچنین حسینی، وکیلی و ناظمیان فرد (۱۳۹۷)، در دو مقاله «جایگاه اجتماعی و نقش سیاسی و فرهنگی خاندان حسینی حمزوی در عهد سلجوقی» و «جایگاه سادات

حسینی اعرجی بلخی در عهد حاکمیت ترکان»، اشاراتی به نقش این دو خاندان در گسترش علوم دینی نموده‌اند.

ناگفته نماند که در پیشینه‌هایی که ذکر شد، تنها از خاندان‌های محدودی از سادات سخن گفته شده، لیکن پژوهش پیش رو با نگاهی کل‌نگر، به نقش سادات امامی در گسترش علوم دینی در این دوره خواهد پرداخت.

۱. سادات امامی در دوره سلجوقی

علی‌رغم گرایش حاکمان سلجوقی به تسنن حنفی و رواج این مذهب در میان عموم مردم ایران در آن دوره، غالب سادات سکونت‌یافته در فلات ایران، بر آیین تشیع امامی استوار بودند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۲۴۳). اینان نقشی بسزا در ترویج آموزه‌های شیعی و فراهم آوردن بسترهای لازم برای گسترش این مذهب در سراسر ایران و نواحی همجوار ایفا کردند تا جایی که از آن‌ها به عنوان حاملان و وارثان اصلی اندیشه تشیع یاد می‌شود (ولوی و دشتی، ۱۳۹۰، ۱۱۷).

در دوره سلجوقیان، مناطقی چون کوفه، کرخ بغداد، مشاهد ائمه (نجف و کربلا)، مشهد رضوی، قم، کاشان، آوه، سبزوار، گرگان، استرآباد، دهستان، جربادقان، مازندران، بخشی از طبرستان، قسمتی از ری و توابع آن، بخشی از قزوین و نواحی آن و نیز قسمتی از خرقان، از مراکز اصلی استقرار شیعیان امامی به شمار می‌آمدند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۵۰۰ - ۴۹۹).

خاندان‌های سادات امامی مذهب نیز غالباً در همین نواحی ساکن بودند. از جمله خاندان رضوی در قم (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۸) و حسینی حمزوی در قم (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۲۲۷)، راوندی‌های حسنی کاشان (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ۴۲۶/۴)، سادات حسینی جرجان (ابن فوطی، ۱۴۱۵ق، ۵/۵۳۴؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۶ق، ۱/۱۳)، علوی‌های استرآباد

(منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۰۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۸۶/۳)، آل زیاره در سبزوار و نیشابور (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۲۴۳/۷؛ سمعانی، ۱۴۰۸ق، ۱۲۸/۳)، سادات موسوی مشهد توس (مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵، ۲۰)، سادات موسوی مرو و ترمذ (بیهقی، ۱۳۸۵، ۵۷۶/۲-۵۷۳)، سادات حسینی خزری در آوه (مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵، ۸۲)، و سادات مرعشی در ری، قزوین و مازندران (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۷۹، ۵۸، ۵۷). این خاندان‌ها که از قرن چهارم هجری شکل گرفته بودند، در قرون پنجم و ششم هجری حضوری چشمگیر در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی داشتند و مناسک شیعی خود را بی‌پرده و بدون تقیه به‌جا می‌آوردند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۵۰۰).

در منابع رجالی و کلامی دوران سلجوقی، نام شماری از علمای برجسته سادات امامی مذهب ثبت شده است. منتجب‌الدین ابن بابویه قمی، در نیمه دوم سده ششم هجری، با نگارش کتاب «فهرست اسماء علماء الشیعة و مصنفیهم»، اطلاعاتی بی‌بدیل درباره نقش سادات در گسترش تشیع امامی فراهم آورده است. از میان ۵۴۳ عالم معرفی شده در این اثر، ۲۰۳ تن را سادات تشکیل می‌دهند. گرچه نویسنده کمتر به محل سکونت افراد اشاره کرده اما بررسی خاندان‌های سادات آشکار می‌سازد که اکثریت قاطع آنان در ری و شهرهای پیرامون آن همچون قم، کاشان و قزوین و نیز سرزمین‌های شمالی رشته‌کوه‌های البرز از جمله جرجان و مازندران اقامت داشته‌اند. این عالمان سادات از خاندان‌های گوناگونی برخاسته بودند؛ چنان‌که خاندان حسینی مرعشی که با ۲۷ تن در مازندران، ری و قزوین می‌زیستند، بیشترین شمار را به خود اختصاص داده بود. جعفری‌ها (از نسل جعفر طیار بن ابی‌طالب) با ۲۶ تن که در قزوین و ری سکونت داشتند، در جایگاه بعدی قرار می‌گرفتند. افزون بر این، سادات حسینی کیسکی با یازده تن و خاندان‌هایی چون حسینی شجری، حسینی راوندی، حسینی ابهری، حسینی افطسی، حسینی حمزوی، رضوی، موسوی، علوی و دیگران نیز در این

فهرست حضور داشتند. این سادات در معارف متنوع اسلامی از جمله حدیث، فقه، کلام و تفسیر قرآن تبحری کم‌نظیر داشتند (نک: منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۲۰۲-۱۶، ۱۲، ۱۰). رازی قزوینی نیز در کتاب «نقض» طی بخشی اختصاصی، به معرفی هفتاد و سه تن از علمای برجسته شیعه امامی هم‌عصر خویش پرداخته است (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۲۲۸-۲۲۶). از این میان، بیست و هشت نفر سادات بوده‌اند. این تعداد قابل توجه از عالمان سادات، با در نظر گرفتن نسبت جمعیت شیعیان در آن دوره، گویای نقش برجسته آنان در ترویج تعالیم مذهب تشیع امامی است.

در دوران حکومت سلجوقیان، خاندان‌های سادات شیعه، رویکردی مبتنی بر تقریب‌گرایی و احترام به مذاهب اهل سنت را دنبال می‌کردند (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ۴۷۰/۱؛ فارسی، ۱۴۰۳ق، ۶۹۱؛ دلیر و دیگران، ۱۳۹۶، ۹۱). اصل تقیه نیز به عنوان سازوکاری حیاتی برای تضمین بقا و حفظ مذهب تشیع امامی، در قرون پنجم و ششم هجری مورد عنایت سادات امامی در مناطق سنی‌نشین بود (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۶، ۴۱). چنان که سادات حسینی اعرجی ساکن بلخ که بر مذهب امامیه بودند (مدنی شیرازی، ۱۳۹۷ق، ۴۹۴ - ۴۹۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۲، ۲/۱۱۸، ۷۰، ۶۵، ۵۲، ۳۷) با توجه به غلبه مذهب تسنن حنفی در بلخ و اطراف آن، با اتخاذ تقیه، بیشتر بر مشترکات بین مذاهب اسلامی تأکید می‌کردند و از طرح مباحث اختلافی پرهیز می‌نمودند.

به نظر می‌رسد در سده‌های پنجم و ششم، دگرگونی گرایش برخی سادات از تشیع زیدی به تشیع امامی در بخش‌هایی از ایران و عراق از جمله خراسان، ری، طبرستان و کوفه نیز رخ داده باشد. افزون بر این، قدرت‌یابی حکومت محلی آل باوند در مازندران - که خود بر آیین تشیع امامی بودند - در این روند بی‌تأثیر نبود و فعالیت‌های برخی علمای سادات امامیه در این منطقه نیز در گرایش مردم و سادات به تشیع امامی اثر گذاشت. ابن اسفندیار از یکی از این عالمان سادات به نام شرف‌الدین، برادر رکن‌الدین



ساری یاد می‌کند که در مقابله با مذهب زیدیه و ترویج تشیع امامی نقشی فعال داشت (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰، ۱۰۶). این شواهد نشان می‌دهد که در مازندران، جنبشی گسترده در جهت گرایش به تشیع امامی شکل گرفته بود که سادات، پرچمدار آن بودند.

علاوه بر این، منابع این دوره در موارد متعددی به تحول مذهبی برخی از علمای سادات از مذهب زیدیه به تشیع امامی اشاره دارند؛ از جمله سید ثائرالله بن مهدی حسینی جیلی^۱ که در قرن پنجم هجری در منطقه گیلان، مدعی امامت زیدیه بود اما سپس از این آیین بازگشته و به تشیع امامی گروید (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۳۴).

نمونه دیگر سید واثق‌بالله بن احمد بن حسین حسینی جیلی است از علمای معاصر عبدالجلیل رازی قزوینی (متوفای ۵۶۰ق)، مؤلف کتاب «نقض» که نخست پیرو مذهب زیدیه بود، اما پس از شاگردی نزد عبدالجلیل رازی، به تشیع امامی پیوست (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۹۵).

این تغییر گرایش، تنها به قلمرو زیدیه در ایران محدود نمی‌شد، بلکه در کوفه نیز شواهدی از این روند به چشم می‌خورد. برای نمونه ابوالمعر محمد (۵۹۳-۵۰۴ق)، فرزند حیدره بن عمر و از نوادگان ابوالبرکات عمر بن ابراهیم حسینی زیدی، برخلاف پدر و جد خود که پیرو مذهب زیدیه بودند، به تشیع امامی معتقد شد (ابن دبیثی، ۱۹۷۴م، ۱/ ۳۱۶-۳۱۵: ذمی، ۱۴۰۷ق، ۴۲/ ۱۴۳).

سادات امامی در این دوره، در مناطق گوناگون از جمله نواحی با اقلیت شیعی نیز حضور داشتند؛ از جمله می‌توان به سید شمس‌الدین حسن بن علی حسینی مرعشی اشاره کرد که در خوارزم سکونت داشت (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۵۶) و نیز سید نجم‌الدین بدران بن شریف موسوی که ساکن اصفهان بود (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۲۸).

۱. الثائر بالله بن مهدی بن جعفر بن محمد بن حسین بن علی عسکری بن حسین بن علی بن عمرالاشرف بن زین العابدین علیه السلام.

در این دوره، سادات امامی در برخی از شهرهای کلیدی، جایگاه اجتماعی و اقتصادی ممتازی داشتند؛ از جمله در شهر مرو که پایتخت سلطان سنجر سلجوقی بود و همچنین در شهر ترمذ که از اهمیت راهبردی برخوردار بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آنان در ترمذ، مسئولیت نقابت سادات را بر عهده داشتند (بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/ ۵۷۳) و در مرو، علاوه بر مدیریت نقابت سادات، منصب ریاست شهر را نیز در اختیار داشتند (بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/ ۵۷۶ - ۵۷۵). همین جایگاه والا و نفوذ چندجانبه، آنان را قادر می‌ساخت تا نقشی بسزا و تعیین‌کننده در گسترش و ترویج آموزه‌های تشیع امامی ایفا کنند.

۲. مدارس و مجامع علمی

از جمله اقدامات بنیادین و فرهنگی سادات امامی در طول قرون پنجم و ششم هجری، تأسیس و تجهیز مدارس و همچنین تخصیص اموال اوقاف به این مراکز آموزشی بود. گستره این فعالیت‌های علمی، مناطق مختلف جهان اسلام از جمله خراسان، مازندران، قم، کاشان، آوه، شام، حلب و اران را در برمی‌گرفت (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۳۹). با این حال، این پدیده در شهرهای واقع در حوزه ایران مرکزی به‌ویژه ری، قم، کاشان و آوه نمود چشمگیری داشت؛ به گونه‌ای که سادات در فرآیند تأسیس، ساماندهی امور و ارتقای ساختار اداری این مدارس، نقشی محوری ایفا می‌کردند.

در این میان، از برجسته‌ترین چهره‌های قرن ششم که در این مسیر گام برداشتند، شرف‌الدین مرتضی از سادات حسینی حمزوی بود که رازی قزوینی اقدامات ارزنده وی را در رونق بخشیدن به مدارس شیعی می‌ستاید (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۱). وی در شهر قم مدرسه‌ای بنا نهاد که رازی قزوینی از شکوه و عظمت آن یاد کرده است. افزون بر این، اسناد تاریخی از مدارس متعددی در قم یاد می‌کنند که با حمایت و تأسیس سادات

پابرجا شده بودند؛ از جمله این مراکز می‌توان به مدرسه‌ی عزالدین مرتضی، مدرسه‌ی سید امام زین‌الدین امیره شرفشاه و مدرسه‌ی شمس‌الدین مرتضی اشاره کرد (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۲۱۰).

این مراکز آموزشی علاوه بر تدریس معارف شیعی، عرصه‌ای برای برگزاری مجالس وعظ، مناظره، ختم قرآن و اقامه‌ی نماز جماعت بودند. افزون بر این، مدارس مذکور به عنوان اقامتگاه برای عالمان و فقهایی که از شهرهای دوردست می‌آمدند، عمل می‌کردند و در آن جا از آنان میزبانی و پذیرایی می‌شد (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۰).

در میان مدارس مشهور شهر ری، می‌توان به مدرسه‌ی سید تاج‌الدین محمد کیسکی اشاره کرد که در محله‌ی کلاهدوزان واقع شده بود؛ این محله از سکونتگاه‌های شیعه‌نشین ری به‌شمار می‌رفت و بنای مدرسه در عهد طغرل اول سلجوقی (۴۵۵ - ۴۲۹ ق) توسط فردی به نام مبارک شرفی برپا گشت (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۳۹).

در همین منطقه، مدرسه‌ی دیگری تحت عنوان خانقاه زنان (ریان) نیز قرار داشت که میان دو مدرسه‌ی سید تاج‌الدین محمد کیسکی و شمس‌الاسلام حسکا بابویه واقع شده بود. این مدرسه که متعلق به سادات کیسکی بود، در دوران سلطان محمد بن ملک‌شاه سلجوقی (۵۱۱ - ۴۹۸ ق) بنا شد. علاوه بر این، مدرسه‌ی منسوب به سید زاهد بوالفتوح نیز در دروازه‌ی آهنین - که از دیگر محله‌های شیعه‌نشین ری بود - در عهد حکومت ملک‌شاه سلجوقی (۴۸۵ - ۴۶۵ ق) ساخته شد (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۰).

برخی از مدارس با حمایت مالی حاکمان و شخصیت‌های برجسته‌ی شیعه بنا شدند، اما مدیریت و اداره‌ی امور آن‌ها به سادات واگذار می‌گردید. از این نمونه‌ها می‌توان به مدرسه‌ای در محله‌ی زامهران ری اشاره کرد که با سرمایه‌ی شاه‌غازی رستم بن علی بن شهریار (حک: ۵۵۸ - ۵۳۶ ق) - پنجمین حاکم آل باوند در نیمه‌ی قرن ششم هجری - توسط دو تن از سادات مرعشی به نام‌های سید کمال‌الدین مرتضی و سید قوام‌الدین

منتهی ساخته شد و تحت مدیریت سادات اداره می‌گشت (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰، ۲/ ۹۱). نمونه دیگر، مدرسه فقیه علی جاسبی در کوی اصفهانیان شهر ری است؛ این مرکز را که مدرسه باتکلفی شناخته می‌شد، خواجه امیرک در عهد ملک‌شاه سلجوقی بنا کرد، اما اداره آن بر عهده سادات بود (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۰).

سپس از آنجا که همه دانش‌پژوهان توانایی تهیه کتاب نداشتند، تأسیس کتابخانه‌های عمومی به امری حیاتی بدل گشت. علاوه بر کتابخانه‌های مستقر در مدارس، برخی سادات نیز شخصاً به تأسیس مراکز گردآوری کتاب اقدام کردند. برای نمونه، شرف‌الدین مرتضی محمد، صاحب کتابخانه بزرگی در ری بود که ابوالحسن علی بن زید بیهقی (متوفای ۵۶۵ ق) از منابع آن بهره جسته است (بیهقی، ۱۳۵۴، ۱۷). این مرکز علمی حتی در قرن هفتم نیز همچنان فعال بوده و مورد توجه علما و شاعران قرار داشته است (دعویدار قمی، ۱۳۶۵، ۷۹).

در مجموع تأسیس چنین نهادهایی توسط سادات امامی، نه تنها از پویایی و تلاش علمی آنان در عصر سلجوقی حکایت دارد، بلکه گویای جایگاه والای علمی این شخصیت‌ها در میان جامعه آن دوران است.

مجامع علمی و مراکز تبادل اندیشه، صرفاً به بناهای رسمی همچون مدارس محدود نمی‌شدند، بلکه در منازل نخبگان و سادات برجسته نیز شکل می‌گرفتند. در این میان، یکی از ابعاد کلیدی نقش‌آفرینی سادات امامی در مرو، تأمین منابع اقتصادی برای گسترش علوم دینی و حمایت از شبکه‌های علمی بود.

سادات موسوی مرو که از خاندان‌های متمکن امامیه به‌شمار می‌رفتند، با بهره‌گیری از توان مالی خود، نقش میزبان علمی را ایفا می‌کردند؛ به این معنا که پذیرایی از عالمان مسافر و میهمان‌نوازی از نخبگان، از ویژگی‌های برجسته افرادی نظیر ابوالقاسم علی بن موسی موسوی بود (باخرزی، ۱۴۰۵، ۲/ ۱۰۴-۱۰۳). این الگو در میان سادات موسوی ترمذ

نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابوالحسن بیهقی و ادیب صابر بارها مورد تفقد و میهمان‌نوازی نورالدین بن ابوالقاسم موسوی در این شهر قرار گرفتند (بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/ ۵۷۴).

حمایت سادات از شبکه‌های علمی در سایر کانون‌های قلمرو سلجوقی نیز مشهود بود. برای نمونه ابوالحسن محمد بن محمد علوی حسینی سمرقندی (۴۸۰-۴۰۵ق)، از فضلا و محدثان ثروتمند و نقیب شهر سمرقند (فخر رازی، ۱۴۰۹ق، ۱۷۴)، سالانه مبالغ هنگفتی را میان علما توزیع می‌کرد (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۳۲/ ۳۱۲).

در عصر سلجوقی، علمای خاندان حسینی اعرجی در شهر بلخ یکی از کانون‌های اصلی حمایت از دانش‌وران و ترویج معارف اسلامی در خراسان را راه‌اندازی کردند. بزرگان این خاندان با ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی، نقش مهمی در پیوند میان نهادهای علمی و ساختارهای اجتماعی ایفا کردند. برای نمونه سید ابومحمد حسن بن علی (متوفای ۵۳۲ق) از سرشناس‌ترین چهره‌های این خاندان، نه تنها با فراهم‌سازی فضای بحث و مناظره، بیت‌الحکمه‌ای برای اصحاب دانش ایجاد کرده بود، بلکه با وقف مسجد شرف‌الدین در جوار گورستان بلخ، آنجا را به مکان گردهمایی غریبا و معدن علما بدل ساخت (واعظ بلخی، ۱۳۵۰، ۳۵۱).

علاوه بر وی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌الحسن طاهر (متوفای ۵۳۷ق) با گشودن باب ترویج معارف، پناهگاهی برای افاضل عصر فراهم آورده بود (واعظ بلخی، ۱۳۵۰، ۳۵۷).

همچنین تاج‌الدین حسن بن محمد (زنده ۵۳۷ق) از دیگر چهره‌های این خاندان بود که با تکیه بر آموزش و تربیت نظام‌مند طلاب، در گسترش علوم دینی در بلخ کوشید (واعظ بلخی، ۱۳۵۰، ۳۵۸).

این حمایت‌های مالی گسترده و همچنین تأمین امکان اقامت برای عالمان، علاوه

بر تداوم جریان تبادلات علمی و انتقال دانش مذهبی در پهنه قلمرو سلجوقی، نقشی تعیین کننده در گسترش و تثبیت تشیع امامی ایفا می کرد.

۳. حمایت از تدوین آثار شیعی

یکی از اقدامات کارآمد نقبای سادات، به ویژه در دوران سلجوقیان، حمایت از علمای شیعه و هدایت آنان به سمت تألیف آثار تخصصی در حوزه های حدیث، فقه، کلام و رجال بود. این نقش حمایتی، در قالب های مختلفی از جمله میزبانی علمی و سفارش مستقیم برای نگارش آثار تجلی می یافت. برای نمونه در عهد سامانیان، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) در جریان سفر خود به خراسان، به درخواست شریف ابوالحسن محمد موسوی در روستای ایلاق (از توابع بلخ)، کتاب «من لا یحضره الفقیه» را تصنیف کرد (ابن بابویه، ۴۱۳ق، ۲/۱).

این سنت سفارش علمی در عصر سلجوقی با شتاب بیشتری تداوم یافت؛ چنان که شریف سید ابوفضل هادی بن حسین بن مهدی حسینی (حسینی شجری)، از نقبا و محدثان (منتجب الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۹۷) سادات ری، شیخ مفید ابوسعید محمد بن احمد نیشابوری (متوفای ۵۱۰ق) را بر آن داشت تا کتاب «الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین» را به نگارش درآورد (خزاعی نیشابوری، ۱۳۹۳، ۲۴-۲۳). ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸-۴۶۸ق)، از اقارب نقبای سادات حسینی آل زیاره، با حمایت و درخواست ابومنصور محمد حسینی زباری (نقیب بیهق)، به تألیف تفسیر «مجمع البیان» همت گماشت (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۱/۳۴).

همچنین خاندان حسینی حمزوی در ری، نمونه ای بارز از این نقش فعال را به نمایش گذاشتند؛ شرف الدین سیدمحمد بن علی حسینی حمزوی، نقیب النقبای سادات ری، با درخواست از عبدالجلیل رازی (متوفای ۵۶۰ق)، وی را به تألیف کتاب



«نقض» در رد کتاب «بعض فضائح الروافض» برانگیخت (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۸). این روند در نسل‌های بعد نیز تکرار شد؛ به گونه‌ای که سید عزالدین یحیی، فرزند شرف‌الدین با سفارش به شیخ منتجب‌الدین، زمینه‌ساز نگارش دو اثر بنیادین «فهرست علماء الشیعة و مصنفیهم» و «الاربعة عن الاربعة من الاربعة فی فضائل امیرالمؤمنین» گردید (ابن فوطی، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۳۶۷). این الگو نشان می‌دهد که نقبای سادات امامی با مدیریت نیازهای مذهبی، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به تولیدات علمی شیعه داشته‌اند.

۴. نقش در گسترش علوم دینی

مقصود از علوم دینی، مجموعه‌ای از دانش‌ها و حوزه‌های معرفتی است که به مطالعه و تبیین نظام‌مند آموزه‌های وحیانی و سنت نبوی می‌پردازند. برخلاف علوم تجربی که بر پایه مشاهده و آزمایش عینی استوارند، علوم دینی از روش‌های معرفتی خاص خود مانند استدلال عقلی، استنباط و تبیین متنی برای دستیابی به حقیقت بهره می‌برند. در چارچوب پژوهش حاضر، این مفهوم شامل حوزه‌های بنیادین علوم نقلی و عقلی نظیر حدیث، فقه، کلام، تفسیر و قرائت است که در عصر سلجوقی، پیوندی تنگاتنگ میان مبانی نظری و کاربردهای عملی داشتند.

۴.۱. حدیث

با ظهور اسلام و تکوین نظام مدون علوم اسلامی، فرآیند گردآوری و ثبت روایا، به یکی از شاخه‌های بنیادین دانش‌های اسلامی بدل گشت و در این میان، طبقه محدثان، جایگاهی محوری یافت. سادات با بهره‌گیری از جایگاه اجتماعی و علمی خود، از نخستین دوران‌های تشکل علوم اسلامی، در این عرصه حضور فعال داشتند. آنان از

طریق استماع، ضبط و انتقال متون روایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، نقشی اساسی در پویایی و تداوم انتقال دانش به نسل‌های پسین ایفا نمودند؛ چنان‌که نام بسیاری از آنان در منابع کلیدی حدیث و رجال شیعه و اهل سنت به چشم می‌خورد.

به عنوان نمونه، در کتاب بنیادین «الکافی» نوشته شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ ق)، ۵۲ راوی از سادات در زمره محدثان و نقل‌کنندگان احادیث قرار دارند (حسینی، ۱۳۸۷، ۱۰۵/۳). این حضور پررنگ، در قرون پنجم و ششم هجری نیز با شدت و گسترش بیشتری تداوم یافت. چنان‌که در کتاب «فهرست اسماء علماء الشيعة و مصنفهم»، از میان ۲۰۳ تن از علمای سادات شیعه امامی که نامشان در این اثر ثبت شده، ۴۸ تن به‌طور مشخص به عنوان محدثان و راویان «ثقه» (مورد اعتماد) معرفی شده‌اند (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷۵، ۳۹، ۳۲، ۱۲). این آمار، گواهی بر نقش کلیدی سادات در حفظ اعتبار و ارتقای سطح دانش حدیث در دوران‌های متأخرتر، به‌ویژه در سده‌های پنجم و ششم هجری است.

در سده‌های پنجم و ششم هجری، سادات امامی مذهب با تکیه بر جایگاه ممتاز خود و پیوند نسبی با ائمه معصومین علیهم السلام، نقش پررنگی در تداوم سنت حدیثی از طریق برگزاری مجالس املای حدیث ایفا می‌کردند. در این مجالس، فرآیند انتقال دانش به گونه‌ای نظام‌مند صورت می‌گرفت؛ بدین معنا که محدث (مُملی) با قرائت روایات، به شرکت‌کنندگان امکان ثبت و ضبط دقیق متن‌ها را فراهم می‌آورد. این سلسله جلسات با فرآیند تأیید مُملی و صدور اجازه‌نامه‌های روایت برای شرکت‌کنندگان خاتمه می‌یافت که اعتبار علمی نقل احادیث را تضمین می‌کرد (سمعانی، ۱۴۱۸ق، ۲/۲۲۶).

شواهد تاریخی، گواهی بر گسترده‌گی این شبکه از طریق اجازه‌نامه‌های صادر شده توسط سادات است. برای نمونه رشید بن مسلمه از محدثان برجسته این دوره، اجازه‌نامه روایت خود را از ابوعبدالله احمد بن علی حسینی اعرجی (نقیب طالبیان بغداد)

دریافت نمود (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۳۹/ ۳۳۰). همچنین عبدالکریم سمعانی نیز از جمله کسانی است که از سادات متعددی اجازه‌نامه‌ی روایت حدیث دریافت کرد؛ از جمله ابو عبدالله حسین بن علی حسنی (متوفای ۵۱۳ ق) که در سال ۵۱۲ ق، اجازه‌نامه‌ای برای وی در نیشابور نوشت (سمعانی، ۱۴۱۸ق، ۷۸/۲-۷۷).

این نمونه‌ها نشان‌دهنده‌ی پیوند عمیق شبکه‌های علمی سادات با ساختار رسمی انتقال حدیث در قرون پنجم و ششم هجری است.

علاوه بر این نقش نقبای سادات در برپایی مجالس املای حدیث بسیار تعیین‌کننده بود؛ چنان‌که آنان غالباً می‌کوشیدند این حلقه‌ها را در مساجد تشکیل دهند و شخصیت‌های برجسته‌ای نیز در مجالس املای آنان حضور می‌یافتند (بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/ ۷۱۶). افزون بر این، در میان برخی خاندان‌های سادات، تعداد قابل‌توجهی از افراد به حدیث‌شناسی اشتغال داشتند و این دانش را نسل‌به‌نسل حفظ نمودند؛ به گونه‌ای که خاندان‌های مذکور در میان رجال‌شناسان به خاندان حدیث شهرت داشتند. برای نمونه عبدالغافر فارسی، از خاندان سادات حسنی بطحایی نیشابور - که نقابت سادات این شهر را در قرون پنجم و ششم بر عهده داشت - با عنوان بیت‌الحدیث یاد کرده و چند تن از محدثان آنان را معرفی می‌کند (فارسی، ۱۴۰۳ق، ۳۴۹). از جمله این افراد می‌توان به زید بن حسن (فارسی، ۱۴۰۳ق، ۳۵۵) و نواده‌اش و نیز زید بن حسن بن زید (فارسی، ۱۴۰۳ق، ۳۵۸) اشاره کرد.

در میان سادات حسینی آل زبارة نیز که عمدتاً در نیشابور و بیهق سکونت داشتند و از مروجان تشیع امامی به‌شمار می‌رفتند، محدثان پرشماری حضور داشتند. از این شاخه از سادات، ابوابراهیم جعفر بن محمد (۴۴۹-۳۸۶ ق) که ساکن نیشابور بود، در سال ۴۴۴ ق به بغداد رفت و در آنجا از محدثان برجسته‌ای همچون ابوالحسن احمد بن محمد بن عمر خفاف، یحیی بن اسماعیل بن یحیی حربی، محمد بن احمد بن

عبدوس مزکی، حاکم ابو عبدالله نیشابوری، ابی عبدالرحمان سلمی و نیز پدر بزرگ خود، ظفر بن محمد زبارة حدیث روایت کرد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۷/ ۲۴۳).

افزون بر این، برخی از بزرگان سادات در مراکز قدرت یا خلافت مورد توجه قرار می گرفتند و مجالس املای حدیث ویژه‌ای برای آنان برپا می شد؛ چنان که برای اسماعیل بن محمد موسوی مروی (متوفای ۵۹۷ ق) در بغداد، مرکز خلافت عباسیان، چنین مجلسی برپا گردید (ابن دبیثی، ۱۹۷۴م، ۱/ ۲۴۲-۲۴۱).

نقل حدیث صرفاً به مجالس املای رسمی محدود نمی شد؛ چنان که برخی از محدثان سادات امامی در منازل خود نیز برای مستمعان، به روایت حدیث می پرداختند. برای نمونه ابوطالب یحیی بن محمد از علمای سادات حسینی اعرجی ساکن آمل (فخر رازی، ۱۴۰۹ق، ۱۵۵)، در محرم سال ۵۰۹ ق، در منزل خویش در آمل برای عماد طبری (ابی جعفر محمد بن علی بن رستم، (متوفای ۵۵۳ ق) حدیث روایت کرد (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۰۶، ۸۶، ۸۴، ۷۵).

محدثان سادات امامی در دوران سلجوقیان، همچون پیشینیان خود، جهت استماع و نشر حدیث به مناطق گوناگون سفر می کردند. از این میان می توان به ابوطالب حمزه^۱ (متوفای ۴۴۷ ق)، فرزند محمد اشاره کرد که با سفرهای پرشمار به مصر، خراسان، شام و ماوراءالنهر از مشایخ متعددی حدیث استماع نمود (فارسی، ۱۴۰۳ق، ۳۱۶). همچنین ابوطاهر عبدالله بن جعفر^۲ (حسینی اعرجی) از سادات کوفه، با بهره گیری از گستره جغرافیایی وسیع به مناطقی چون عراق عرب، خراسان، غزنه و ماوراءالنهر سفر می کرد و سرانجام در سال ۶۱۳ ق در قاهره وفات یافت (ابن فوطی،

۱. حمزه بن محمد بن عبدالله بن محمد بن حسن (حسین) بن محمد بن اسماعیل بن علی بن جعفر بن اسحاق بن علی بن عبدالله بن جعفر طیار بن ابی طالب.

۲. عبدالله بن جعفر بن هبة الله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن محمد بن عبيدالله ثالث بن علی بن عبيدالله ثاني بن علی بن عبيدالله اعرج بن حسین اصغر بن امام سجاد (ع).

در همین راستا ابوالصمصام ذوالفقار^۱ بن محمد حسنی، محدث برجسته شیعه و اهل مرو، سفرهای علمی متعددی به مناطق مختلف جهان اسلام از جمله دمشق داشت (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۲۴۳۶). وی در سال‌های ۵۱۲ و ۵۱۳ ق طی سفر به قزوین، از ابوعبدالله محمد بن علی مقری حدیث روایت کرد؛ روایتی که از طریق جماعتی از اهالی قزوین از جمله قاضی عطاءالله بن علی و ابومسلم عبدالرحمن بن المعالی ورائی نقل شده است (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ۳ / ۱۶۴، ۱۲).

۶۳



برخی از سادات، علاوه بر برخورداری از جایگاه محدث، نسبت به حوزه حدیث و عالمان آن نیز گرایش و تکریم ویژه‌ای داشتند. از جمله ابوعبدالله احمد بن علی از سادات حسینی اعرجی و از نقبای بغداد که با بهره‌مندی از موقعیت اجتماعی و سیاسی والای خود در بغداد، همواره مروج فرهنگ تکریم اهل حدیث بود (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۳۹ / ۳۳۰).

ناگفته نماند که مسیر حج، یکی از کانون‌های مهم استماع و نقل حدیث برای محدثان به شمار می‌رفت؛ به گونه‌ای که بسیاری از آنان در طول این سفر و شهرهای واقع در مسیر حجاز، به تبادل علمی و روایت حدیث اهتمام می‌ورزیدند. برای نمونه اسماعیل بن حسن^۲ از سادات حسینی افطسی اصفهان، در سال ۴۹۵ ق، در میانه سفر حج در بغداد اقامت گزید و به املاي حدیث پرداخت (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۳۴ / ۲۰۹-۲۰۸). فرزند وی، ابوالحسن زید^۳ نیز از دیگر عالمان این خاندان بود که در بازگشت از سفر

۱. ذوالفقار بن محمد بن معد بن حسن بن احمد بن اسماعیل بن یوسف بن محمد بن یوسف بن ابراهیم بن موسی الجون بن عبدالله بن حسن المثنی بن امام حسن علیه السلام.

۲. اسماعیل بن حسن بن علی بن حسن بن علی بن حسین بن علی بن عمر بن حسن افطس بن علی اصغر بن امام سجاد علیه السلام.

۳. زید بن حسن بن زید بن ابی‌الحسن بن حمزه بن حسین بن محمد بن حسین بن علی بن عمر بن حسن افطس بن علی اصغر بن امام سجاد علیه السلام.



حج در سال ۵۷۷ ق، در شهر بغداد به نقل حدیث پرداخت (ابن فوطی، ۱۴۱۵ ق، ۴ / ۴۲۰ - ۴۲۱).

برخی از محدثان سادات، در این حوزه آثار مکتوب ارزشمندی از خود بر جای گذاشته‌اند. از جمله ابوالمعالی اسماعیل^۱ بن حسن حسنی (متوفای ۴۴۸ ق)، از سادات نیشابور، نویسنده کتاب «شجون الاحادیث».

در سده ششم هجری، سید ضیاءالدین ابوالفتح محمد بن محمد علوی حسینی طوسی (معروف به ابن جعفریه) که ظاهراً ساکن حله بوده، رساله «الاربعون حدیثاً فی فضائل اهل البیت» را تألیف نمود. وی از مشایخ محمد بن جعفر مشهدی (متوفای ۶۱۰ ق)، صاحب کتاب «المزار» به شمار می‌رود (مهریزی و صدرایی خوبی، ۱۳۸۴، ۱۴ / ۱۱۵-۱۱۸). همچنین، داعی بن الرضا زید،^۲ از سادات حسینی اهل آوه که در قرن پنجم می‌زیست، نویسنده کتاب «آثار الابرار و انوار الاخیار» در موضوع حدیث است (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ ق، ۷۱).

در میان دیگر نویسندگان، سیدفضل‌الله حسینی راوندی نیز از صاحبان آثار حدیثی همچون «الاربیین فی الاحادیث» است. علاوه بر او، سیدابوالبرکات محمد بن اسماعیل بن فضل حسینی علوی نیز از تألیف‌کنندگان این حوزه به شمار می‌رود. شیخ ابونصر حسن بن فضل طبرسی (از علمای قرن ششم) در کتاب «مکارم الاخلاق» اثری به نام «مسموعات» را به وی منسوب می‌کند. شیخ علی بن حسن طبرسی نیز در «مشکوة الانوار»، کتاب «المجموع» را به او نسبت داده است (حسینی ارموی، ۱۳۵۸، ۱ / ۵۱۳). افزون بر این، ابوالعباس عقیل بن حسین علوی (محدث سادات امامی قرن پنجم)

۱. اسماعیل بن حسن بن محمد بن حسین بن داود بن علی بن عیسی بن محمد بطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام.

۲. داعی بن زید بن علی بن حسین بن حسن بن علی بن حسن بن علی بن علی بن حسن افطس بن علی اصغر بن امام سجاد علیه السلام.

صاحب کتاب «الامالی» و سید محمد بن احمد نویسنده کتاب «الرضا علیه السلام» است (منتجب الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷۱، ۱۱۲). در نهایت، سید ابوالبراهیم ناصر بن رضا علوی حسینی، از محدثان و فقهای قرن پنجم، کتاب «مناقب آل الرسول» را به نگارش درآورده که به بررسی سرگذشت ائمه علیهم السلام پرداخته است (منتجب الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۹۲).

برخی از محدثان سادات، علاوه بر تخصص در نقل احادیث، در حوزه‌های تخصصی علوم حدیث و علم رجال نیز صاحب نظر بودند. از این میان، ابوالمعالی اسماعیل بن حسن حسینی نیشابوری (متوفای ۴۴۸ق) که در اصول و فروع مذهب امامی تخصص داشت، با رویکردی تطبیقی، نسبت به رجال «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم نیز اشراف کامل داشت و با علمای اهل سنت نیز روابط علمی برقرار کرده بود (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۲/۲۷۳). همچنین تاج الدین بن محمد بن حسین علوی حسینی کیسکی (۵۲۸-۴۷۸ق)، از عالمان اهل ری، در شناخت حدیث و توانایی تمیز میان رجال شیعه و اهل سنت مهارت داشت و بر احادیث اهل بیت علیهم السلام مسلط بود (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۲/۸۷).

نکته حائز اهمیت در بررسی محدثان سادات در این دوره، عدم انحصار حلقه‌های استماع حدیث در قالب‌های فرقه‌ای است؛ به گونه‌ای که مرزهای مذهبی مانع از تبادل دانش میان شیعه و سنی نمی‌شد. شواهد متعددی نشان می‌دهد که محدثان اهل سنت از سادات شیعه نیز حدیث استماع می‌کردند. برای نمونه عبدالکریم سمعانی در سفر به کاشان، از ابوالرضا فضل‌الله حسینی راوندی، از علمای برجسته شیعه، حدیث استماع نمود (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ۴/۴۲۶). وی همچنین در ری، منتخبی از «امالی» مفید را از سید ابومحمد شمس‌الشرف علی بن عبیدالله حسینی سیلقلی شنید (سمعانی، ۱۴۱۸ق، ۱/۳۲۷) و در استرabad نیز یکی از شیوخ امامیه، به نام سیدابوطاهر محمد بن یحیی علوی، احادیثی برایش روایت نمود (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ۴/۲۴۱).



در مقابل، محدثان سادات شیعه نیز از مشایخ اهل سنت بهره می‌جستند. سید ابوصمام ذوالفقار بن محمد، از سادات حسنی مرو، از مشایخ اهل سنت همچون مالک بن احمد البانیاسی و خواجه نظام‌الملک طوسی روایت می‌کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۱۷/۳۲۹). در همین راستا، شرف‌الدین مرتضی محمد (فرزند عزالدین علی)، از سادات حسینی حمزوی قم، با رویکردی تقریب‌گرا، از علمای اهل سنت حدیث می‌شنید و برخی از آنان نیز از وی روایت می‌کردند.

طبق گزارش رافعی قزوینی، وی برای کسب دانش به نیشابور سفر کرد و در آنجا «صحیح» مسلم را نزد ابوعبدالله محمد بن فضل فراوی (۵۳۰ - ۴۴۱ق) و کتاب «غریب‌الحديث» اثر ابوسلیمان خطایی (۳۸۸ - ۳۱۹ق) را از عبدالغافر بن اسماعیل فارسی آموخت. وی همچنین در سال ۵۵۹ق با سفر به قزوین، از محضر علمای برجسته اهل سنت این شهر نیز بهره‌مند شد (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ۱/۴۷۰).

برخی از خاندان‌های سادات امامی، رویکردی متمرکز بر تدوین مجموعه‌های حدیثی با ماهیت فرامذهبی داشتند که سادات حسینی اعرجی بلخ از نمونه‌های برجسته در این زمینه به‌شمار می‌روند. تدوین آثاری نظیر «سلسلة الابریز بالسند العزیز» در میان این خاندان، گواهی بر تعامل علمی گسترده و فرامذهبی آنان است؛ چرا که احادیث گردآوری شده در این اثر، علاوه بر منابع اصلی روایی شیعه، در منابع معتبر اهل سنت نیز بازتاب یافته است (حسینی بلخی، ۱۴۱۳ق، ۱۰۷-۶۱).

اما آنچه نیاز به مذاقه و بررسی دارد این است که با وجود این تعاملات علمی میان سادات امامی مذهب و اهل سنت، همواره بین آنان چالش‌ها و تنش‌های مذهبی نیز وجود داشته است. برخی از سادات با گرایش‌های تشیع، در مناطقی که اکثریت سنی داشتند، با بی‌مهری و فشار اجتماعی روبه‌رو شده و به «زندقه» متهم می‌گشتند؛ تا جایی که گاه از نقل حدیث از آنان جلوگیری می‌شد. از این دست، سید ذوالفقار بن



محمد است که با اظهار تمایلات شیعی، مورد اتهام زندقه قرار گرفت (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۱۷/۳۲۹: ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۲/۴۳۶). همچنین ابومحمد زید بن حسن موسوی هروی (متوفای ۴۹۲ ق) در منابع اهل سنت، به دلیل گرایش‌های شیعی، تحت عنوان «جاعل» و «دروغگو» مورد انتقاد قرار گرفته است. وی با سفر به اصفهان، شام، مصر و عراق در پی کسب دانش بود، اما به دلیل ناشناخته بودن مشایخ حدیث او برای محدثان آن شهرها، مورد تردید قرار گرفت. از این رو برخی از محدثان اهل سنت از جمله حسین بن عبدالملک حلال و ابوالعلاء صاعد بن سیار هروی، روایت از وی را منع کردند (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۳۴/۱۲۱: ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۲/۵۰۴).

برخی از محدثان سادات، به دلیل اتخاذ مواضع صریح در دفاع از آموزه‌های تشیع، از سوی نویسندگان اهل سنت به تعصب مذهبی متهم می‌شدند؛ ابوجعفر مهدی بن اسماعیل حسینی مرعشی از جمله این محدثان است. وی که اصالتاً اهل دهستان^۱ بود، مدتی را در مرو سپری کرد و سرانجام سال ۵۳۹ ق در ساری وفات یافت. سمعانی دو مرتبه با وی دیدار نموده و روایات اندکی از او نقل کرده است (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ۵/۲۵۸). نام برخی از محدثان سادات شیعه امامی در دوره سلجوقیان که در متن حاضر ذکر نشده‌اند، بر اساس کتاب «فهرست اسماء علماء الشيعة و مصنفیهم» به شرح زیر است:

نام	خاندان	شهر	حیات	منبع
اشرف بن حسین	جعفری	قزوین	قرن ۶ ق	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷
احمد بن محمد	حسنی	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷
جعفر بن علی	حسینی	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۳۹
حسن کیا بن قاسم	حسنی	ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۴۸

۱. شهری نزدیک خوارزم و مناطق شمالی جرجان.

حسین بن هادی	حسنی شجرى	رى	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۴۷
حمزه بن علی	حسینی	احتمالاً رى	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۴۷
علی بن احمد	علوی محمدی	مازندران	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۸
لطف‌الله بن عطاء‌الله	حسنی شجرى	نیشابور	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۵۱
محمد بن علی	حسینی سلیقی	رى	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۵۹
مرتضی بن داعی	حسنی	رى	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۶۳
مجتبی بن داعی	حسنی	رى	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۶۳
محمد بن اسماعیل	نامعلوم	مشهد	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۶۳
مهدی بن علی	حسنی	قزوین	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷۵

۴.۲.۴. فقه

فقه، دانش فهم دین است که با روش‌شناسی مشخص، به استنباط احکام شرعی از منابع اصلی می‌پردازد؛ منابعی که در آیین تشیع مشتمل بر قرآن، سنت، اجماع و عقل است.

در کتب رجال و انساب، از شخصیت‌های متعددی از سادات امامی در قرون



پنجم و ششم هجری به عنوان فقیه یاد شده است. منتجب‌الدین در فهرستی که از علمای شیعه در این دو سده تدوین نموده، از ۵۷ تن از سادات این دوره که همگی از فقهای شیعه امامیه هستند، یاد می‌کند (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۵۸، ۴۷، ۴۱).

از میان مشاهیر فقهای سادات امامی در قرن پنجم هجری، ابویعلی محمد بن حسن جعفری بغدادی^۱ جایگاه ویژه‌ای دارد. وی در دو حوزه فقه و اصول به مرتبه‌ای عالی دست یافت؛ چنان‌که شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق) دختر خود را به ازدواج وی درآورد و آثار علمی‌اش را به او سپرد. وی همچنین از شاگردان سید مرتضی بغدادی به شمار می‌رفت و کتاب‌های متعددی به تألیف رساند. او سال ۴۶۳ یا ۴۶۵ هجری در بغداد درگذشت؛ در برخی منابع، نام وی به اشتباه «حمزه بن محمد» ذکر شده است (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۳۱/۱۶۷). از جمله آثار برجسته وی می‌توان به «نزهة الناظر، تنبیه الخاطر» و «النکت فی الامامة» اشاره کرد (ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰ق، ۱۰۱).

در این دوران، در برخی از شهرهای ایران مرکزی از جمله قم، کاشان و آوه، فتاوا و احکام شرعی بر مذهب تشیع امامی استقرار داشت و قاضیان غالباً از میان علویان انتخاب می‌شدند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۵۰۰؛ منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۳۴، ۱۰۴، ۳۹، ۳۶). برخی از فقهای سادات امامی نیز بر اساس مذهب غالب در منطقه سکونت خود، فتوا صادر می‌کردند؛ برای نمونه، سید عمادالدین ابوالقاسم جعفر بن علی، از سادات طالبی که در دهستان [نام دهستان] به مقام مفتی و مدرس منصوب بود (مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵، ۱۸۶)، از روی تقیه بر مذهب حنفی فتوا می‌داد (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۴۱). فرزند وی، سید تاج‌الدین علی نیز با برخورداری از منصب فتوای همان دهستان، همچون پدر، بر اساس مذهب حنفی فتوا صادر می‌کرد (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۶).

۱. محمد بن حسن بن حمزه بن جعفر بن عباس بن ابراهیم بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی زینبی بن عبدالله بن جعفر طیار بن ابی طالب.

علاوه بر این، برخی از سادات علاوه بر تبحر در فقه مذهب خود، در «علم خلاف» نیز صاحب نظر بودند و بر فقه سایر مذاهب تسلط داشتند. ابوالمعالی محمد بن حسین، از سادات حسینی اعرجی بلخی، نمونه‌ای بارز از این دسته است؛ وی نه تنها در فقه تشیع امامی استاد بود (فخر رازی، ۱۴۰۹ق، ۱۵۳)، بلکه با تبحر در علم خلاف و تسلط بر آرا و ادله مذاهب مختلف، توانست در سال ۴۸۵ هجری، کتاب «بیان‌الادیان» را به زبان فارسی به رشته تحریر درآورد (مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵، ۶۳).

سادات این دوره، آثار ارزشمندی در حوزه فقه نوشتند. از جمله می‌توان به عقیل بن حسین، از فقهای شیعه امامیه در قرن پنجم و از اساتید شیخ مفید عبدالرحمان بن احمد نیشابوری اشاره کرد که کتاب‌هایی همچون «صلاة» و «مناسک» را تألیف نموده است (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۲). همچنین سید عبیدالله بن موسی رضوی که از اساتید شیخ مفید عبدالرحمان بن احمد نیشابوری به شمار می‌رود، کتابی فقهی تحت عنوان «الحلال و الحرام» نگاشته است (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۲).

از دیگر فقهای امامی مذهب، ابومحمد زید بن علی، از سادات حسینی افطسی آوه بود که به عنوان شاگرد شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق) شناخته می‌شد. وی آثار مهمی از جمله «المذهب» و «علم الطب عن اهل البيت (علیهم‌السلام)» را به رشته تحریر درآورد (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۸۰).

در جدول زیر، فهرستی از فقهای سادات شیعه امامی در دوره سلجوقیان به همراه محل سکونت ایشان ارائه شده است.

نام	خاندان	شهر	حیات	منبع
احمد بن فضل‌الله	حسینی راوندی	کاشان	قرن ۶ق	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۲۲
امیره بن شرفشاه	حسینی قمی	قم	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۶

حسن بن محمد	موسوی	ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۴۷
حسین بن حسن	حسینی	جرجان (گنبد کاووس)	زنده ۴۶۰	سبحانی، ۱۴۱۸ق، ۵/۱۰۲ - ۱۰۳
حسین بن علی	جعفری	قزوین	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۶۱
حمزه بن محمد	جعفری	مشهد رضوی	۴۴۷ق	فارسی، ۱۴۰۳ق، ۳۱۶؛ منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۶۲
ذوالفقار بن کامروا	حسینی	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۷۵
ضیاء بن ابراهیم	حسینی شجری	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۰۱
طالب بن علی	حسینی ابهری	ابهر	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۰۲
طیب بن هادی	حسینی شجری	احتمالاً ری	قرن ۵	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۰۲
ظفر بن داعی	علوی عمری	استرآباد (گرگان)	متوفای ۴۸۲	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۹۲
عبدالعظیم بن حسین	حسینی	قزوین	قرن ۵ق	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۲۲
عبدالعظیم بن محمد	حسینی ابهری	ری (قوه‌ده)	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۴۰
علی بن ابی طالب	حسینی	آمل	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۳۱
علی بن ابی المعالی	حسینی	قم	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۳۱
علی بن احمد	علوی	مازندران	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۱۸

علی بن حسن	حسینی	قزوین	زنده ۵۵۵	رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ۱/ ۲۴۵
علی بن زید	حسینی آوی	آوه	قرن ۵	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۳۴
علی بن فضل‌الله	حسینی راوندی	کاشان	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۲۹ - ۱۳۰
علی بن یوسف	نامعلوم	کُکین	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۲۳
علی بن محمد	حسینی	ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۳۵
سیدفادشاه بن محمد	حسینی راوندی	کاشان	متوفای ۵۱۹	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۴۳
فضل‌الله بن حسین	حسینی مرعشی	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۴۵
قاسم بن محمد	حسینی شجری	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۴۷
مجتبی بن امیره	جعفری زینی	قزوین	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۸۰
محمد بن اسماعیل	حسینی	مامطیر (بابل)	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۶۹
محمد بن ایران‌شاه	حسینی دیاجی	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷۹
محمد بن حسین	حسینی کیسکی	ری	زنده ۵۴۰	ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۸۷/۲
محمد بن عبدالله	رضوی	قم	قرن ۵	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۸۲
محمد بن فضل‌الله	حسینی	راوند	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۸۰

محمد بن معد	موسوی	بغداد	متولد ۵۵۳ق	ابن طقطقی، ۱۳۷۶، ۱۶۶ - ۱۶۷
محمد بن هادی	حسنی	قزوین	قرن ۶	رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ق، ۲/ ۴۱
مرتضی بن محمد	حسنی	مامطیر (بابل)	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۲۵
منتجب بن حسین	نامعلوم	ساری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۷۷
ناصر بن داعی	حسنی شجری	احتمالاً ری	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۹۳
ناصر بن رضا	حسینی	احتمالاً ری	قرن ۵	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۹۲

۴.۳. کلام

علم کلام به بررسی مسائل اعتقادی و جهان‌بینی دینی نظیر توحید و امامت توجه داشته و با بهره‌گیری از استدلال‌های عقلی و نقلی، به پاسخگویی در برابر شبهات می‌پردازد. متکلمان نیز غالباً در مناظرات علمی، به دفاع از عقاید خود در برابر آرای پیروان سایر مذاهب و فرق می‌پردازند.

این دانش در میان سادات امامی نیز رواج داشت؛ به گونه‌ای که در پاره‌ای موارد، مناظرات کلامی میان آنان با پیروان سایر فرق یا حتی با هم‌کیشانان صورت می‌گرفت. گاه در منازل برخی از بزرگان و نقبا، متکلمان فرقه‌های مختلف گرد هم می‌آمدند تا به مباحثات مذهبی بپردازند (بیهقی، ۱۳۱۷، ۵۶).

علم کلام در میان علمای خاندان زیاره در قرون پنجم و ششم هجری تداول داشت؛ چنان‌که افرادی همچون ابوالحسین علی بن احمد زبیری (بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/۵۱۵) و نواده‌اش، ابوالحسین علی بن حمزه (بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/۷۰۲)، از متکلمان برجسته عصر

خویش به‌شمار می‌رفتند. موضوعات متنوعی در این مناظرات کلامی مورد بحث قرار می‌گرفت؛ برای نمونه سید ابوالبرکات محمد بن اسماعیل حسینی علوی (۵۴۱ - ۴۵۷ق)، از سادات مشهد رضوی که فقیه و محدث بود، مناظره‌ای کلامی در موضوع امامت با ابوبکر اسحاق کرامی داشت (امین، ۱۴۰۳ق، ۲ / ۲۵۰).

یکی از مجالس برجسته مناظره کلامی که در دوره حکومت امیر عباس غازی (متوفای ۵۴۱ق) در شهر ری برگزار شد، پیرامون معرفت خداوند بود که سادات امامی در آن، نقش مؤثری داشتند.

طبق گزارش‌های تاریخی، سید جلال‌الدین علوی خراسانی (از علویان بلخ) که در راه سفر حج بود، به ری وارد شد. روزی که عبدالجلیل قزوینی در سرای سید فخرالدین (رئیس سادات و شیعیان ری) مشغول به وعظ بود، فرستاده امیر عباس، حاکم ری، نزد سیدفخرالدین آمد و خواستار حضور علما و متکلمان شیعه در سرای ایالت شد؛ چرا که مقرر بود سید جلال‌الدین با ابوالفضایل مشاط، پیشوای اهل سنت، در موضوع «وجوب معرفت» به مناظره پردازند. در این مجلس مهم، علاوه بر سید فخرالدین و عبدالجلیل قزوینی، برخی از علمای برجسته شیعه از جمله سید ابوالحسن ونکی مقری نیز حضور داشتند (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۹۱).

البته در مناظرات کلامی، همواره سطح تسلط همه سادات یکسان نبود؛ چنان‌که برخی از آنان به دلیل عدم تبهر کافی در علم کلام، در برابر حریفان مغلوب می‌شدند. ابوالحسن بیهقی، درباره یکی از سادات بیهقی، چنین سخن به میان می‌آورد: «در ناحیت بیهقی علوی‌ای بود متکلم. او را سید علیک بن زید حسینی گفتندی. نیشاپوری بود. ظواهر علم کلام یاد داشتی، اما بر معنی چندان اطلاعی نداشت» او با ابوالفتح کوشک؛ از حکمای عصر خود مناظره کرد، ولی مغلوب وی شد (بیهقی، ۱۳۸۸، ۷۰).

در مقابل، در منطقه ایران مرکزی، متکلمان سادات امامی با جسارت بیشتری به ابراز

عقاید خود در مجالس مناظره می‌پرداختند و برخلاف برخی دیگر، از تقیه پرهیز می‌کردند. برای نمونه سید زین‌الدین امیره بن شرفشاه حسینی از علمای اهل قم، در مجالس مذهبی به مناظره می‌پرداخت و تقیه نمی‌کرد (ابن حجر، ۱۳۹۰ ق، ۱/ ۴۶۶). همچنین در میان خاندان سادات حسینی مرعشی، متکلمان برجسته‌ای ظهور کردند؛ از جمله سید کمال‌الدین مرتضی بن منتهی مرعشی که دانشمندی اهل مناظره بود و آثاری همچون شرح کتاب «الذریعه» و «التعلیق» را به رشته تحریر درآورد. فرزند وی، سید تاج‌الدین منتهی نیز از عالمان فاضل و صاحب‌نظر در مناظره به‌شمار می‌رفت که با شیخ سدیدالدین محمود بن علی حمصی رازی (متوفای ۶۰۰ ق)، از علمای برجسته شیعه به مباحثات کلامی پرداخته است (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ ق، ۱۶۰).

در ادامه، فهرستی از علمای سادات امامی که در دوران سلجوقی می‌زیسته و در منابع به‌عنوان متکلم یاد شده‌اند، ارائه می‌گردد:

نام	خاندان	شهر	حیات	منبع
ابوالفضل	حسینی	آوه	قرن ۶	رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۲۲۷
احمد بن حسین	حسینی	گیلان	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ ق، ۱۹۵
ذوالفقار بن محمد	حسینی	مرو	متوفای ۵۳۶ ابن عنبه، ۱۳۶۳، ۱۱۰	
رضا بن احمد	جعفری	ارم (از توابع ساری)	قرن ۶	منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ ق، ۷۸
ظهيرالدین	----	جرجان	قرن ۶	ابن اسفندیار، ۱۳۲۰، ۱۰۵
عقیل بن حسین	حسینی عریضی	ساری	قرن ۶	بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/ ۵۸۴
عبدالله بن جعفر	زینی طالی	قزوین	قرن ۶	مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵، ۱۸۶

علی بن خلیفه	حسینی شجری	نیشابور	متوفای ۵۵۴	بیهقی، ۱۳۸۵، ۲/ ۶۸۲
علی بن هاشم	زینی طالبی	دهستان	قرن ۶	مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵، ۱۸۶
محمد بن کالنجار	حسینی	ری	قرن ۶	متجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۸۴
یحیی بن محمد	حسنی طباطبایی	بغداد	متوفای ۴۷۹	زرکلی، ۱۹۸۹م، ۸/ ۱۶۴

۳.۴. علوم قرآنی

۱.۳.۴. تفسیر

تفسیر قرآن از جمله علوم بنیادین دینی است که در میان سادات امامی در قرون دوره سلجوقی، جایگاه ویژه‌ای داشت. با این حال، اگرچه در منابع تاریخی از برخی از آنان با عنوان «مفسر» یاد شده است، اما آثار مکتوب و برجسته‌ای در دسترس نیست. از جمله این افراد می‌توان به ابوالفضل علی^۱ بن ابراهیم حسینی، ملقب به «منتهی» اشاره کرد؛ وی که به «فقیه طبرستانی» نیز شهرت داشت، انسانی پرهیزکار بود و به تفسیر قرآن اشتغال داشت. زندگی او با حادثه‌ای غم‌انگیز پایان یافت. به این ترتیب که فرقه اسماعیلیه در حدود سال ۵۱۰ق وی را در جرجان به قتل رساندند (ابن فوطی، ۱۴۱۵ق، ۵/ ۵۳۴).

از جمله سادات حسینی بیهقی، سید مجدالدین ابوالبرکات فضل^۲ بن علی بود که به

۱. علی بن ابراهیم بن عبدالله بن کیاکی علی بن عبدالله بکربآبادی بن عیسی بن زید بن علی بن عیسی بن یحیی بن حسین بن زید امام سجاد(ع).

۲. فضل بن علی علوی حسینی بن طاهر بن طاهر بن مطهر بن محمد بن عیسی بن محمد مضیره بن جعفر بن عیسی بن علی بن حسین اصغر بن امام سجاد(ع).

تقوا و پارسایی شهرت داشت (بیهقی، ۱۳۱۷، ۲۴۶) و در علوم قرآن، از جمله مباحث تفسیر و اسباب النزول مهارت ویژه‌ای داشت (ابن فوطی، ۱۴۱۵ق، ۴/ ۴۹۲).

همچنین در میان سادات حسنی کاشان، ابوالرضا فضل‌الله راوندی از صاحب‌نظران حوزه تفسیر به‌شمار می‌رفت که از جمله آثار وی، کتاب «التفسیر» است (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۴۴). فرزند وی، سید عزالدین علی نیز در همین رشته به تدوین اثری تحت عنوان «تفسیر القرآن» همت گماشته بود که متأسفانه این اثر ناتمام ماند (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۳۰؛ مدنی شیرازی، ۱۳۹۷ق، ۴۹۸).

۴. ۳. ۲. قرائت

علم قرائت از جمله دانش‌های اصیلی است که از صدر اسلام مورد توجه سادات بوده است. در دوران سلجوقی نیز، نام شماری از سادات امامی در زمره قاریان و مقریان برجسته ثبت شده است.

از جمله این افراد در جنوب ایران، می‌توان به ابوالمختار حمزه^۱ بن ربیع موسوی، از سادات شیراز (متوفای نیمه قرن پنجم هجری) اشاره کرد که علاوه بر مهارت در قرائت، از فقیهان نیز به‌شمار می‌رفت (علوی عمری، ۱۳۸۰، ۳۰۴).

همچنین در نیشابور، محمد^۲ بن حسین از سادات حسینی (از نسل حسین‌الاصغر بن امام سجاد^{علیه السلام}) به عنوان یکی از قاریان برجسته شناخته می‌شد که در سال ۵۴۴ق درگذشت (بیهقی، ۱۳۸۵، ۶۹۵).

در حوزه ایران مرکزی، به‌ویژه شهر ری، چهار تن از سادات قرن پنجم و ششم هجری در زمره قاریان صاحب‌نام قرار داشتند. نخست، سید نجیب‌الدین ابومحمد

۱. حمزه بن ربیع بن محمد بن حمزه بن علی بن محمد بن حمزه بن علی بن عبیدالله بن امام موسی کاظم^{علیه السلام}.

۲. محمد بن حسین بن علی بن محمد بن محمد بن حسن بن قاسم بن حمزه بن محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن حسین اصغر بن امام سجاد^{علیه السلام}.

حسن بن محمد،^۱ از قاریان مشهور نیمه دوم قرن پنجم هجری که فقیهی صالح و دیندار بود و نزد ذوالفخرین مرتضی مطهر حسینی حمزوی قمی (متوفای ۴۹۲ق) تحصیل کرده بود (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۴۷). دوم، سید بهاء‌الدین ابوالفضل احمد بن مجتبی بن ابی‌سلیمان حسینی موردی که از عالمان صالح و از مقریان نام‌آور به‌شمار می‌رفت (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۲۴). سوم، سید تاج‌الدین ابراهیم بن احمد حسینی موسوی رومی که با فعالیت در دارالنقابه ری، از مقریان برجسته قرن ششم هجری محسوب می‌شد (منتجب‌الدین، ۱۴۰۴ق، ۱۹). در نهایت، در منابع مربوط به این دوره، از فردی دیگر به نام سید ابوالحسن ونکی نیز به‌عنوان یکی از مقریان یاد شده است (رازی قزوینی، ۱۳۹۱، ۴۹۱).

نتیجه

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد تبیین نقش سادات امامی در گسترش علوم دینی در عصر سلجوقی است. یافته‌ها نشان می‌دهد در این دوره، سادات امامی، به‌ویژه در شهرهای ایران مرکزی، بخش قابل‌توجهی از نخبگان علمی جامعه را تشکیل می‌دادند و نقش آنان در ترویج تشیع امامی و فراهم‌سازی بستر رشد علوم اسلامی، بنیادی و انکارناپذیر بود. سادات با نهادسازی‌های آموزشی و فرهنگی نظیر احداث و اداره مدارس و کتابخانه‌ها و نیز حمایت از تألیف آثار شیعی، نقش مؤثری در پایداری جریان علمی تشیع ایفا کردند.

در حوزه علوم نقلی، سادات امامی با تشکیل مجالس املائی حدیث و نظام‌مندسازی انتقال دانش از طریق «صدر اجازه‌نامه»، شبکه‌ای منسجم و پویا ایجاد کردند؛

۱. حسن بن محمد بن حسن بن محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن قاسم بن موسی بن عبدالله بن امام موسی کاظم علیه السلام.

به گونه‌ای که برخی خاندان‌های سادات به‌طور تخصصی به عنوان «خاندان‌های حدیث» شناخته می‌شدند. سفرهای علمی-مذهبی آنان، پیوندی مستحکم میان حوزه‌های علمی شهرهای مختلف برقرار ساخت؛ هرچند این تعاملات در بستری از محدودیت‌ها و گاه اتهام‌زنی‌های فرقه‌ای صورت می‌گرفت که بر جریان نشر حدیث بی‌تأثیر نبود.

در ساحت فقه، فقهای سادات امامی علاوه بر تدریس و منصب قضا، با تألیف آثار فقهی و صدور فتوا، به باروری فقه شیعه مدد رساندند. در زمینه کلام و علوم قرآنی نیز این نخبگان با مشارکت فعال در مناظرات عقیدتی (امامت، توحید و فرق) و نگارش تفاسیر و آثار قرآنی، جایگاه علمی خود را تثبیت کردند. در مجموع، گسترش علوم دینی توسط سادات امامی حاصل تعامل هوشمندانه میان نهادهای دینی آنان، شبکه‌های علمی محلی و ساختار حکومتی دوره سلجوقی بوده است.

در پایان، برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود نقش خاندان‌های شاخص سادات در توسعه علوم به تفکیک شاخه‌ها، بررسی موردی نقش سادات در تأسیس و تجهیز مراکز علمی و تحلیل تطبیقی جایگاه اجتماعی آنان در سایر مناطق ایران مورد واکاوی قرار گیرد.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن بن علی، طبقات اعلام الشيعة (النابس في القرن الخامس)، ج ۲، تحقیق علی نقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۲. ابن اسفندیار، محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام محمد رمضانی، تهران، کتابخانه خاور، ۱۳۲۰ ش.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن حجر، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۱ و ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۳۹۰ ق.
۵. ابن دبیتی، ابو عبدالله محمد بن سعید، ذیل تاریخ مدینه السلام، ج ۱، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۷۹ - ۱۹۷۴ م.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۸. ابن طقطقی، صفی الدین محمد، الاصلی فی انساب الطالبین، تصحیح سید مهدی رجایی، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۶ ش.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی، الفصول الفخریه، به اهتمام سید جلال الدین محدث ارموی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. ابن فوطی، ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد، ج ۱، ۲، ۴ و ۵، مجمع الآداب فی معجم الالقاب، تصحیح محمد کاظم محمودی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۲، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. باخرزی، ابوالحسن علی بن حسن، دمیة القصر و عصرة اهل العصر، ج ۲،

کویت، مکتبه دارالعروبة للنشر و التوزيع، ۱۴۰۵ق.

۱۴. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، **تاریخ بیهق**، تصحیح احمد بهمنیار، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۱۷ق.

۱۵. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، **تتمه صوان الحکمة**، حیدرآباد دکن، مدرسه دارالعلوم، ۱۳۵۴ق.

۱۶. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، **درة الاخبار و لمعة الانوار** (ترجمه صوان الحکمة)، ترجمه ناصرالدین بن عبدالملک منتجب‌الدین یزدی، تصحیح علی اوجبی، تهران، حکمت، ۱۳۸۸ش.

۱۷. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، **لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب**، ج ۲، تصحیح سیدمهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۲، ۱۳۸۵ش.

۱۸. حسینی، سیدحسن، **اطلس تاریخی سادات ایران (سادات قم و آوه)**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸ش.

۱۹. حسینی، سیدحسن، **اطلس تاریخی سادات ایران (سادات قزوین)**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۲ش.

۲۰. حسینی، سیدحسن، «امامزادگان راوی در کتاب الکافی»، **مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی**، ج ۳، قم، دارالحديث با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۷ش، صص ۱۳۳ - ۱۰۳.

۲۱. حسینی، سیدحسن، هادی وکیلی و علی ناظمیان فرد، «جایگاه اجتماعی و نقش سیاسی و فرهنگی خاندان حسینی حمزوی در عهد سلجوقی (۵۹۰-۴۳۱ق)»، **پژوهش‌نامه تاریخ اسلام**، س ۸، ش ۳۲، زمستان ۱۳۹۷ش، صص ۴۸ - ۲۹.

۲۲. حسینی، سیدحسن، هادی وکیلی و علی ناظمیان فرد، «جایگاه سادات حسینی اعرجی بلخی در عهد حاکمیت ترکان (۶۱۸-۳۸۹ق)»، **پژوهش‌نامه خراسان بزرگ**، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۷ش، صص ۸۵ - ۷۱.

۲۳. حسینی ارموی، میرجلال‌الدین، **تعلیقات نقض**، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی،

۱۳۵۸ ش.

۲۴. حسینی بلخی، ابومحمد حسن بن علی، **سلسلة الابريز بالسند العزيز**، تحقيق محمدجواد حسینی جلالی، قم، کتابخانه آية الله مرعشی، ۱۴۱۳ ق.

۲۵. خزاعی نیشابوری، محمد بن احمد، **الاربعة عن الاربعة في فضائل علي امير المؤمنين**، قم، مجمع احیای فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.

۲۶. خسروبیگی، هوشنگ و سپیده خسروانی، «دلایل مهاجرت نقبای حسینی نیشابور (بنوزبارة) به بیهق و نقش آنان در تعمیق تشیع امامی»، **پژوهشنامه تاریخ اسلام**، س ۵، ش ۱۹، پاییز ۱۳۹۴ ش، صص ۷۳-۴۹.

۲۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، ج ۷، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.

۲۸. دعویدار قمی، رکن الدین، **دیوان اشعار**، تصحیح علی محدث، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵ ش.

۲۹. دلیر، نیره و دیگران، «نمودهای اجتماعی تساهل در دوره سلجوقیان: تبیین کنش حکمرانان سلجوقی با شیعیان امامیه»، **تحقیقات تاریخ اجتماعی**، س ۷، ش ۱۴، بهمن ۱۳۹۶ ش، صص ۹۵-۷۳.

۳۰. ذهبی، شمس الدین محمد، **تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام**، ج ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۹ و ۴۲، تحقيق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۳۱. رازی قزوینی، عبدالجلیل، **نقض**، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، قم، مجموعه آثار کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی، ۱۳۹۱ ش.

۳۲. رافعی قزوینی، عبدالکریم، **التدوین فی اخبار قزوین**، ج ۱ و ۳، تصحیح عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.

۳۳. زرکلی، خیرالدین، **الاعلام**، ج ۸، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۸، ۱۹۸۹ م.

۳۴. سبحانی، جعفر، **موسوعة طبقات الفقهاء**، ج ۵، لجنة العلمیة فی مؤسسة الامام

الصادق، قم، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ١٤١٨ق.

٣٥. سمعاني، ابي سعد عبدالكريم، **الانساب**، ج ٣ و ٤، تصحيح عبدالله عمر البارودي، بيروت، دارالجنان، ١٤٠٨ق.

٣٦. سمعاني، ابي سعد عبدالكريم، **التحبير من معجم الكبير**، ج ٢، تحشيه خليل منصور، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.

٣٧. طبرسي، فضل بن حسن، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤١٥ق.

٣٨. طبري، محمد بن ابي القاسم، **بشارة المصطفى**، تصحيح جواد قيومي اصفهاني، قم، مؤسسة نشر اسلامي، ١٤٢٠ق.

٣٩. علوي عمري، ابي الحسن علي، **المجدي في انساب الطالبين**، تصحيح احمد مهدي دامغاني، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٣٨٠ش.

٤٠. فارسي، عبدالغافر بن اسماعيل، **تاريخ نيسابور المنتخب من السياق**، با اشراف محمد كاظم محمودي، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٣ق.

٤١. فخر رازي، ابو عبدالله محمد، **الشجرة المباركة في انساب الطالبية**، تصحيح سيد مهدي رجائي، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٠٩ق.

٤٢. مدني شيرازي، سيد علي خان، **الدرجات الرفيعة في طبقات الشيعة**، قم، منشورات مكتبة بصيرتي، ١٣٩٧ق.

٤٣. مروزي ازوارقاني، ابي طالب اسماعيل، **الفخرى في انساب الطالبين**، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ج ٢، ١٣٨٥ش.

٤٤. منتجب الدين، علي بن عبيد الله، **فهرست اسماء علماء الشيعة و مصنفهم**، تصحيح جلال الدين محدث، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٠٤ق.

٤٥. مهريزي، علي و علي صدرابي خويي، **ميراث حديث شيعه (دفتر چهاردهم)**، قم، مؤسسة فرهنگي دارالحديث، ١٣٨٤ش.

۴۶. واعظ بلخی، عبدالله بن عمر، **فضائل بلخ**، ترجمه عبدالله محمد بن محمد حسینی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ ش.
۴۷. ولوی، علی محمد، و محمد دشتی، «نقش علویان در گسترش تشیع در نیشابور»، **شیعه‌شناسی**، س ۹، ش ۳۵، پاییز ۱۳۹۰ ش، صص ۱۴۴-۱۱۳.